

اصول تفویض اختیار کدامند؟

اصول زیر می تواند راهنمای مناسبی برای تفویض اختیار باشد. در صورتی که تفویض اختیار دقیقا در عمل مشخص نگردد، تفویض اختیار ممکن است بی اثر بوده و موجب سقوط سازمان می شود.

۱- اصل تفویض طبق نتایج مورد انتظار : چون اختیار و اقتدار به وجود آمده تا مدیران را با ابزاری برای کمک به تحقق اهداف موسسه مجهز سازد ، اقتداری که به یک مدیر تفویض شده باید برای تضمین تحقق نتایج مورد انتظار مناسب باشد. تفویض بر طبق نتایج مورد انتظار مبین این است که هدفها تعیین شده و برنامه ریزیها انجام شده و به خوبی به افراد انتقال یافته و به وسیله آنها درک شده است و کارها باید مطابق با آنها انجام گیرد.

۲- اصل تعریف وظیفه: برای تقسیم کار بین دپارتمانها، فعالیت ها باید گروه بندی شوند تا تحقق اهداف تسهیل گردد و مدیر هر بخش باید دارای اقتدار باشد تا فعالیتهای خود را با کل سازمان هماهنگ سازد.

۳- اصل نردبانی: اصل نردبانی مربوط به سلسله مراتب با زنجیر روابط اقتدار مستقیم از بالا دست به زیر دست در سازمان است. اقتدار نهایی یک موسسه همیشه باید در جایگاه مشخصی باشد . هر قدر خط اقتدار از مدیریت عالی در یک موسسه به پستهای مدیریتی پایینتر، روشنتر باشد ، تصمیم گیری مسئولانه تر و ارتباطات سازمانی موثرتر انجام خواهد گرفت.

۴- اصل سطح اختیار : تعریف وظیفه به اضافه اصل نردبانی موجب پیدایش اصل سطح اختیار شده است . این اصل عبارت است از ، داشتن اقتدار مورد لزوم برای اخذ تصمیمات به وسیله افراد صلاحیتدار در سطح مربوطه و عدم ارجاع آن به سطوح بالاتر ساختار سازمان.

۵- اصل وحدت فرماندهی: این اصل می گوید هر قدر یک فرد رابطه گزارش دهی کاملتری به یک رئیس منحصر به فرد داشته باشد، مسئله تضاد در دستور العملها کمتر و احساس مسئولیت شخصی برای نتایج مربوطه بیشتر خواهد بود. اصل وحدت فرماندهی برای وضوح روابط اقتدار مسئولیت مفید است. به عنوان مثال یک مدیر عامل نمی تواند طبعا فعالیتهای فروش را در میان دپارتمانهای فروش، تولید، روابط عمومی، امور مالی، حسابداری و کارگزینی تقسیم نماید بدون اینکه هیچ فردی را مسئول آنها سازد.

۶- اصل مطلق بودن مسئولیت: چون مسئولیت نمی تواند تفویض یا واگذار گردد، هیچ مافوقی نمی تواند از طریق تفویض آن، از زیر بار مسئولیت فعالیتهای زیر دستان خود شانه خالی کند. چون این بالا دست بوده است که اقتدار را تفویض کرده و وظایف را محول ساخته است.

۷- اصل برابری اقتدار و مسئولیت: چون اقتدار حقی اختیاری برای انجام وظایف است و مسئولیت تعهدی برای تحقق آنهاست، منطقا نتیجه گرفته می شود که اقتدار باید با مسئولیت برابر باشد. از این استدلال ساده این اصل نتیجه گرفته می شود که مسئولیت کارها نمی تواند بیشتر از اقتداری باشد که تفویض شده یا نباید کمتر از آن باشد. این برابری به صورت ریاضی نیست، بلکه بیشتر دارای حدود و ثغور مشترک است زیرا هر دو مربوط به وظیفه یا تکلیف مشخصی است.

دکتر حمید سرایداریان